

همگرایی و واگرایی بازیگران در حمله ترکیه به شمال سوریه

مصداق گنج خانلو*

^۱ استادیار، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ایران

چکیده

بحران سوریه بزرگ‌ترین مسئله یک دهه اخیر در عرصه بین‌المللی بوده است که بازیگران متعددی را در سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای و محلی درگیر خود ساخته است. در آستانه شکست داعش، ترکیه در قالب سه عملیات «سپر فرات»، «شاخه زیتون» و «چشمه صلح» به شمال سوریه حمله کرد. این حمله‌ها دوباره موجب آرایش بازیگران با اهداف گوناگون در بحران سوریه شد، بر پیچیدگی این بحران افزود. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که همگرایی‌ها و واگرایی‌ها بین بازیگران ذی‌نفع در جریان حمله و حضور ترکیه در شمال سوریه چیست؟ برای پاسخ به پرسش پژوهش، از روش تحلیل ساختاری و برای تجربه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار مکتور استفاده شد. بر اساس یافته‌های این پژوهش، چهار قطب‌بندی بین بازیگران پس از حمله ترکیه به شمال سوریه شکل گرفته است. افزون‌بر این، واگرایی‌های بازیگران از یکدیگر نیز نمایش داده شد. حزب حاکم ترکیه با حمله به شمال سوریه از یک سو به دنبال کاستن از تهدید جدایی‌طلبی (پ.ک.ک.)؛ و از سوی دیگر، در پی ایجاد فرصت نفوذ ساختاری در سوریه از راه اسکان آوارگان جنگ سوریه و به قدرت رسیدن جریان‌های اسلام‌گرا به رهبری اخوان‌المسلمین در سوریه است. جمهوری اسلامی ایران، ترکیه و پ.ک.ک. بیشترین فاصله در اهداف را با یکدیگر دارند؛ و در شرایط کنونی، امکان قرار گرفتن این سه بازیگر در یک ائتلاف در خصوص حمله ترکیه به شمال سوریه وجود ندارد. در این میان، ترکیه به دلیل داشتن اهداف به شدت متعارض با دیگر بازیگران، قدرت مشارکت در هیچ ائتلاف پایداری را نخواهد داشت.

واژه‌های کلیدی: ترکیه، شمال سوریه، همگرایی بازیگران، واگرایی بازیگران، کردها

* نویسنده مسئول، رایانامه: ganjkhanelou.m@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۲۲ شهریور ۱۳۹۹، تاریخ تصویب: ۲۳ اسفند ۱۴۰۰

۱. مقدمه

حمله گروه تروریستی داعش به عراق و سوریه و تشکیل خلافت خودخوانده موجب بروز ناامنی منطقه‌ای جدی در خاورمیانه شد و به سرعت آثار بین‌المللی و جهانی خود را با فعال شدن تروریسم در مناطق مختلف جهان نشان داد. عمق و گستره خیزش تروریسم در خاورمیانه به حدی بود که بسیاری از تحلیل‌گران این پدیده را موجب لرزان شدن مرزهای کنونی منطقه خاورمیانه و گسست پیمان‌های تاریخی مانند سایش-پیکو دانستند. خیزش تروریسم که برابندی از رقابت‌های بازیگران در سطوح بین‌المللی و منطقه‌ای بود، به شدت بسیاری از کشورهای منطقه و جهان را با تهدید مواجه ساخت. جمهوری اسلامی ایران بنا به درخواست کشورهای عراق و سوریه و سازگار با قوانین بین‌المللی به یاری این کشورها در برابر تجاوز انبوهی از تروریست‌های خارجی به‌ویژه داعش شتافت و سپس ائتلافی از کشورهای روسیه، ایران، عراق و سوریه (و نیز حزب‌الله لبنان) در مقابله با تروریسم در یک سو و ائتلافی از کشورهای غربی، عربی، رژیم صهیونیستی و ترکیه در سوی دیگر شکل گرفت که نگاهی به‌طور کامل متفاوت به پدیده تروریسم داعش داشتند. داعش در اسفند ۱۳۹۷ از ائتلاف مقاومت شکست خورد، و با قرار گرفتن این گروه در موقعیت شکست، ترکیه با ادعای مقابله با تهدید (پکک)، به شمال سوریه حمله کرد. این حمله‌ها تاکنون در سه مرحله به‌شکل سه عملیات سپر فرات، شاخه زیتون و چشمه صلح به‌انجام رسیده است.

در مرحله سوم تهاجم گسترده ترکیه به شمال سوریه با عملیات «چشمه صلح» در مهر ۱۳۹۸، سران حزب حاکم ترکیه درصدد عملی کردن طرح ایجاد منطقه امن به عمق ۳۲ کیلومتر و به طول ۴۸۰ کیلومتر در خاک سوریه در جدار مرز ترکیه برآمدند. پیش از حمله ترکیه به شمال سوریه، ترامپ پس از تماس تلفنی با اردوغان، اعلام کرد که نیروهای امریکا را از سوریه خارج می‌کند. ترکیه از تروریست‌های مسلح تکفیری و ارتش آزاد سوریه به‌عنوان پیاده‌نظام ارتش خود در حمله به سوریه استفاده کرد. حمله و حضور ترکیه در شمال سوریه به‌ویژه پس از شروع عملیات «چشمه صلح» موجب بروز ابهام‌های جدید بسیاری در روند تحولات بحران سوریه شد و این بحران را بیش از پیش پیچیده‌تر کرد. تعدد بازیگران در کنار اهداف متعارض آنها در حضور ترکیه در شمال سوریه، ارائه تحلیلی درست و واقع‌بینانه از وضعیت کنونی را بسیار دشوار ساخت. این پیچیدگی زمانی بیشتر می‌شود که بازیگران دخیل در این موضوع، در چند سطح بین‌المللی، منطقه‌ای، ملی و زیرملی دسته‌بندی‌شدنی هستند که جهت‌گیری‌های برخی از آنها به‌دلیل پیچیدگی موضوع، متزلزل و با تردید همراه است. حمله ترکیه به شمال سوریه و اهداف اعلامی آن، دربرگیرنده تهدیدها و فرصت‌هایی برای ایران بوده است. با توجه به کثرت بازیگران و اهدافی که بازیگران متعدد در میدان سوریه در جریان حمله ترکیه به

شمال سوریه دنبال می‌کنند، اتخاذ موضعی سازگار با منافع و اهداف جمهوری اسلامی ایران، مستلزم شناخت همگرایی‌ها و واگرایی‌ها و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بازیگران در هندسه منازعه سوریه است. پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این پرسش است که همگرایی‌ها و واگرایی‌ها بین بازیگران ذی‌نفع در جریان حمله و حضور ترکیه در شمال سوریه چیست؟ حضور ترکیه در شمال سوریه دربرگیرنده تهدیدها و فرصت‌هایی برای ایران بوده است. تعیین سیاست‌ها و مواضع سازگار با منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در این خصوص، مستلزم شناخت همگرایی‌ها و واگرایی‌ها و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بازیگران بین‌المللی، منطقه‌ای، ملی و زیرملی متعددی است که با اهداف متعارض خود در این منازعه فعالیت دارند. برای یافتن پاسخ مناسب به پرسش پژوهشی و شناخت این همگرایی‌ها و واگرایی‌ها، پس از احصای بازیگران ذی‌نفع و اهداف آن‌ها در سیستم مورد بررسی، جایگاه و روابط بین آنها مطالعه و تحلیل می‌شود.

۲. چارچوب مفهومی

ناآرامی‌های سوریه در یک دهه گذشته سبب تجمع جنگجویان تکفیری در این کشور با حمایت زنجیره‌ای از قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای شد. با پیدایش داعش در عراق و سوریه و اعلام خلافت از سوی این گروه، روند تحولات سوریه وارد مرحله‌ای جدید شد، و پاسخ ایران و سپس روسیه به دعوت دولت سوریه برای حمایت از این کشور در برابر تروریست‌ها، رقابت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در این منطقه نیز شفاف‌تر شد. امریکا در تداوم رقابت بین‌المللی با روسیه در مناطق قفقاز و آسیای مرکزی، در سوریه با روسیه مواجه شد؛ و چین نیز به صورت دقیق حوادث سوریه را با این برآورد دنبال کرد که امریکا در پی ایجاد دومینویی از براندازی در کشورهایی مانند سوریه، لبنان، عراق، جمهوری اسلامی ایران، روسیه و چین است.

مسکو پس از ورود به نبرد سوریه، با کمک تسلیحاتی شایان توجه، پشتیبانی لجستیک و وتوی قطعنامه‌های مهم علیه دولت سوریه در شورای امنیت سازمان ملل متحد، بر این نکته توجه داشت که مداخله غرب در سوریه به سبک لیبی به منافع روسیه در سوریه آسیب می‌زند (Cengiz, 2020: 10). افزون‌بر این، تثبیت جایگاه روسیه در سوریه این فرصت را برای رهبران این کشور ایجاد می‌کند تا در توافقات احتمالی با کشورهای اروپایی، دست برتر را داشته باشند (Pettersson, 2020: 25). حکام خودکامه سنتی کشورهای عربی که همیشه دنباله‌روی امریکا بوده‌اند نیز از سوی امریکا برای تجهیز و تأمین گروه‌های تروریستی تکفیری حاضر شدند. قطر مانند ترکیه با تفکر اخوانی و دیگر اعراب با تفکر وهابی، نفوذ ایران در عراق و

سوریه را تهدیدی برای خود ارزیابی کردند. با حمایت قدرتهای بین‌المللی و منطقه‌ای، صدها گروه تروریستی در سوریه و عراق شکل گرفتند؛ و هر کدام بخشی از وضعیت پیچیده ترسیم‌شده در درگیری‌های سوریه در طرح قدرتهای بین‌المللی را تکمیل کردند. به این ترتیب، بازیگران متعدد با کثرتی از اهداف متنوع در سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای و فراملی در درگیری‌های سوریه فعالیت داشته‌اند که نمی‌توان تحولات هر یک از سطوح مشخص‌شده را مستقل از تحولات دیگر سطوح بررسی کرد؛ و افزون‌بر آن بررسی تحولات هر یک از این سطوح، مستلزم به‌کارگیری ابزار تحلیل جداگانه و متناسب با خود است.

در سطح تحلیل بین‌المللی، حمله و حضور ترکیه در شمال سوریه، رقابت قدرتهای بین‌المللی آمریکا، چین و روسیه را در امتداد نظریه دگرگونی هژمونیک برانگیخت. نظریه ثبات هژمونیک نخستین بار در ۱۹۷۳ از سوی «چارلز کیندلبرگر»^۱ در کتابی با عنوان «جهان در رکود ۱۹۲۹-۱۹۳۹» مطرح شد (جلالی، ۱۳۸۸: ۵۴). ثبات هژمونیک معطوف به شرایطی در نظام بین‌الملل است که یک هژمون دارای برتری در ابعاد مختلف، از جایگاه پذیرفته‌شده برای ایجاد قواعد و رژیم‌های قدرتمند بین‌المللی برخوردار است. با رعایت این قواعد از سوی کشورهای دیگر، ثبات و تعادل سیستم حفظ می‌شود. پیدایش هژمون رقیب و نوظهور با به چالش کشیدن جایگاه ترسیم قواعد از سوی هژمون مستقر، روند افول قدرت این هژمون را تسریع می‌بخشد (ساعی و ترابی، ۱۳۸۹: ۱۴۷). گیلپین در تکمیل نظریه ثبات هژمونیک بر این باور است که به‌هم خوردن توازن قدرت به مرور زمان، موجب بروز جنگ‌هایی برای به‌دست گرفتن هژمونی می‌شود و سرانجام سیستم بر مبنای هژمون جدید، بار دیگر سازماندهی خواهد شد (Gilpin, 1981).

امریکا پس از انتخاب ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور این کشور، به‌وضوح چین و روسیه را به‌عنوان تهدید امنیت ملی خود برشمرد. بارها در اسناد راهبرد امنیت ملی این کشور به این موضوع اشاره شده است. در سند راهبرد امنیت ملی آمریکا در ۲۰۱۷، چین به همراه روسیه به‌مثابه دو قدرتی توصیف شده‌اند که منافع، نفوذ و قدرت آمریکا را به‌چالش کشیده‌اند و در صدد فرسایش ثروت و امنیت آمریکا هستند. افزون‌بر این، در این سند بر تهدید تسلیحاتی این دو کشور علیه آمریکا تأکید شده است. در این سند آمده است که روسیه و چین به‌دنبال از بین بردن مزیت‌های ژئوپلیتیک آمریکا هستند، و می‌کوشند تا نظم بین‌المللی مورد نظر خود را حاکم سازند (Trump, 2017: 27).

در سطح تحلیل منطقه‌ای، حمله و حضور ترکیه در شمال سوریه، موجب به‌هم خوردن موازنه تهدید در کشورهای منطقه شده است که روابط خود را به‌صورت تاریخی بر اساس

1. Charles P. Kindleberger

نظریه موازنه فراگیر تنظیم می‌کنند. بر اساس نظریه موازنه تهدید، استفان والت^۱ با طرح موازنه تهدید، سطح تهدید دولت‌ها را بر اساس شاخص‌های قدرت، ظرفیت تهاجمی، مجاورت و نیت تهاجمی آن‌ها مطرح می‌کند. این شاخص‌ها نشان‌دهنده این واقعیت هستند که اتحاد دولت‌ها بیش از آنکه برای موازنه در برابر قدرت باشد، برای مقابله با تهدید است (نیاکویی و ستوده، ۱۳۹۵: ۱۲۲). پس از آغاز بحران سوریه، برخی دولت‌ها مانند عربستان، امارات و دیگر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، بر اساس موازنه تهدید، افزایش نفوذ و قدرت جمهوری اسلامی ایران را تهدیدی برای خود ارزیابی کردند. دولت ترامپ بارها تلاش کرد تا در این بستر، ائتلافی را بین کشورهای منطقه علیه جمهوری اسلامی ایران با عناوینی همچون «ناتوی عربی» تأسیس کند و استحکام بخشد، ولی اختلاف‌های داخلی این کشورها و اهداف متعارض آن‌ها مانع تحکیم چنین ائتلافی شد. روابط کشورهای خاورمیانه، به‌ویژه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تغییر ساختار نظام بین‌الملل، بیشتر با نظریه «موازنه فراگیر» تبیین‌پذیر است. این نظریه ضمن پذیرش مبانی نظری واقع‌گرایی، برای توضیح معادله قدرت و امنیت در کشورهای بی‌ثبات جهان سوم ارائه شده است. این نظریه از سوی استیون دیوید^۲ مطرح شد که فرایند غیرطبیعی تشکیل دولت-ملت در جهان سوم را عامل شکل‌گیری مرزهای مصنوعی، تداوم اختلاف‌های دولت‌ها با همسایگان و بی‌ثباتی داخلی آن‌ها می‌داند (حق‌پناه، ۱۳۸۹: ۵۲).

در سطح تحلیل ملی، با روی کار آمدن اسلام‌گرایان در ترکیه، این کشور چرخش آشکار هویتی را از رویکردهای سکولار و لائیک به اسلام‌گرایی اخوانی تجربه کرده است. این چرخش هویتی، سیاست خارجی این کشور را به‌شدت تحت تأثیر قرار داده است. سیاست خارجی ترکیه را در دوره حزب عدالت و توسعه می‌توان به سه دوره زمانی تقسیم کرد: دوره نخست (۲۰۰۷-۲۰۰۳) که سیاست خارجی بر مدار اصلاحات سیاسی و اقتصادی به پیش برده می‌شد. دوره دوم (۲۰۱۰-۲۰۰۷) که سیاست به صفر رساندن مشکلات با همسایگان بر اساس راهبرد سیاست خارجی داوداوغلو پیگیری می‌شد. در دوره سوم، پس از پیروزی در رفراندوم تغییر قانون اساسی در ۲۰۱۰، ترکیه در پی ایجاد تغییرات ساختاری بلندپروازانه در ساختار و بافتار سیاسی و اجتماعی منطقه برآمد (مومنی، خادمی و قورجیلی، ۱۳۹۱: ۴۲).

پس از شروع منازعه سوریه، نهادهای اقماری حزب کارگران کردستان (پکک)^۳ قدرت را در طول مرز کیلومتری ترکیه و سوریه در دست گرفتند؛ و ترکیه به‌هراس افتاده و به‌منظور مقابله با قدرت گرفتن (پکک) در شمال سوریه، تلاش کرد تا نهادهای اقماری (پکک) در

1. Stephen Walt

2. Steven R. David

3. Kurdistan Workers' Party (PKK)

شمال سوریه، همچون حزب اتحاد دموکراتیک (پ.ی.د.)^۱ و شاخه نظامی آن را به عنوان تروریست و برابر با داعش معرفی و قلمداد کند (دستمالی، ۱۳۹۴: ۱۷۶). افزون بر این، رویدادهای سوریه در نظر سیاستمداران ترکیه، پیش‌نمایشی از فروپاشی ساختارهای کهنی است که هندسه دولت-ملت‌های کنونی در منطقه بر پایه آن شکل گرفته‌اند. مهمترین این ساختارها، به قرارداد سایس-پیکو در ۱۹۱۶ برمی‌گردد (احمدی، ۱۳۷۷: ۱۴۹). از همین رو، رویدادهای سوریه در نگاه سیاستمداران ترکیه دارای دو وجه تهدید و فرصتی بزرگ است که بهره‌گیری از فرصت و از بین بردن تهدید مستلزم در پیش گرفتن راهبردی ساختارگرایانه در عرصه سیاست خارجی ترکیه است. تهدید ساختاری ترکیه در جریان این وقایع، قدرت‌گیری (پ.ک.ک) در شمال سوریه و فرصت ساختاری، شکل‌گیری هسته‌های بازیگرانی در سوریه است که به دلیل انگیزه‌های اعتقادی به‌ویژه از نوع اخوانی آن، می‌توانند به نیروهای پیشران قدرت ایدئولوژیک ترکیه در منطقه تبدیل شوند. از همین رو، رهبران حزب عدالت و توسعه، با تأکید بر هویت دینی و ایدئولوژی اخوانی تلاش کردند تا نخست روندی را در پیش بگیرند تا در خاکسترهای قرارداد سایس-پیکو، ترکیه جدید را بنا سازند و از تروریست‌های تکفیری به‌مثابه ابزاری برای رفع خطر ساختاری جدایی‌طلبی کردی بهره بگیرند. برای مقابله با جدایی‌طلبی کردی و به‌عبارتی حل مسئله کردی، اسلام‌گرایان پس از روی کار آمدن، در پی راهبرد جایگزینی هویت دینی بر هویت زبانی و هضم جامعه کردی در هویت ملی ترکیه بوده‌اند.

۳. روش پژوهش

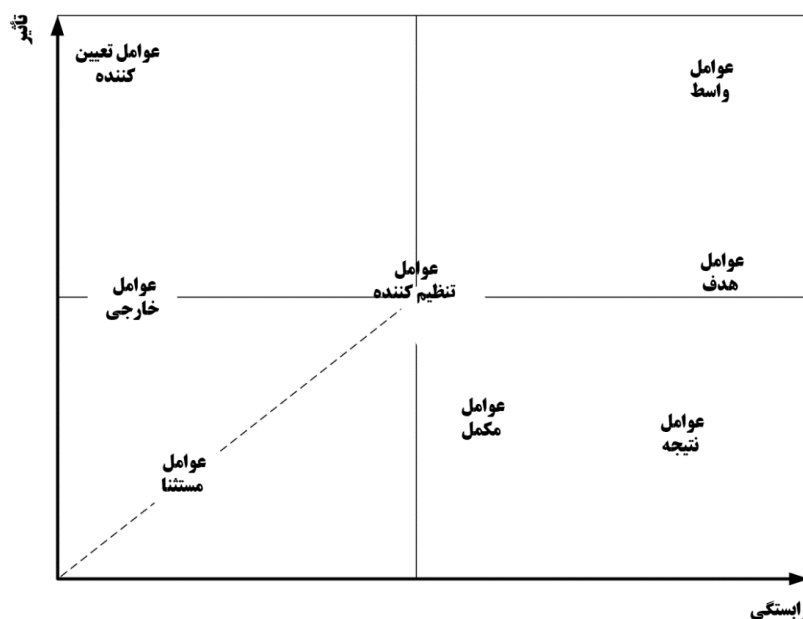
پژوهش حاضر از نظر نتایج، کاربردی و از نظر مسیر، آمیخته است که با روش تحلیل ساختاری به تحلیل راهبردهای بازیگران ذی‌نفع در حمله ترکیه به شمال سوریه پرداخته است. مزیت تحلیل ساختاری، توانایی آن در شناسایی پیوندها بین عواملی است که تأثیر متقابل آن آشکار نیست و حتی ممکن است از سوی کارشناسان این حوزه نیز ناشناخته بماند. با تجزیه و تحلیل وابستگی بین عوامل به‌ظاهر غیرمرتبط، روش تحلیل ساختاری برای پژوهشگران، این امکان را فراهم می‌آورد تا تأثیر متقابل و نیز واکنش‌ها را توصیف کنند. بر اساس این واکنش‌ها پژوهشگر می‌تواند عوامل یک سیستم مورد پژوهش را از هم متمایز و اهمیت آن‌ها را تعیین کند (Nazarko et al., 2017: 457). روش تحلیل ساختاری دسته‌بندی مناسبی برای عوامل مختلف ذی‌نفع در سیستم بررسی شده ارائه می‌دهد.

برای تحلیل ساختاری بازیگران ذی‌نفع در حمله ترکیه به شمال سوریه از تکنیک تحلیل راهبردهای بازیگران و نرم‌افزار «ماتریس اتحادها و اختلاف‌ها: فنون، اهداف و پیشنهادها» با

1. Partiya Yekîtiya Demokrat (PYD) / Democratic Union Party

نام اختصاری «مکتور»^۱ استفاده شد. این شیوه تجزیه و تحلیل برای بررسی دقیق تأثیر راهبردهای بازیگران بر محیط آن‌ها مفید است و برای دستیابی به بینش درستی از تحولات احتمالی سیستم مورد پژوهش استفاده می‌شود. این تکنیک برای موقعیت‌های متنوعی استفاده شود که در آن مسائل و بازیگران زیادی درگیرند (Bendahan, Camponovo, & Pigneur, 2004: 7).

نمودار ۱: دسته‌بندی بازیگران بر اساس میزان تأثیر و وابستگی آن‌ها در روش تحلیل ساختاری



منبع: (Nazarko et al., 2017: 457)

با استفاده از این روش تجزیه و تحلیل، می‌توان بازیگران را مانند نمودار ۱ به هشت دسته بازیگران تعیین‌کننده، واسطه، هدف، نتیجه، تنظیم‌کننده، مکمل، خارجی و مستقل، دسته‌بندی کرد. عوامل تعیین‌کننده^۲ تأثیر قوی بر سیستم مورد پژوهش دارند و با سطح پایینی از وابستگی به دیگر بازیگران مشخص می‌شوند. این عوامل می‌توانند به‌مثابه نیروی محرکه یا بازدارنده سیستمی در نظر گرفته شوند. عوامل واسطه^۳ شامل دسته‌ای از بازیگران است که دارای تأثیرگذاری در مقیاس بزرگ و داشتن درجه بالایی از وابستگی‌اند. تأثیرگذاری و تأثیرپذیری زیاد از سیستم مورد پژوهش سبب شده است تا این عوامل از استعداد زیادی برای ناپایدار

1. Matrix of Alliances and Conflicts: Tactics, Objectives and Recommendations (Mactor)

2. Determinant Factors

3. Relay Factors

کردن این سیستم برخوردار باشند. عوامل هدف^۱، به عوامل دیگر وابسته‌اند و بیشتر گرایش دارند تا دنباله‌رو بازیگران دیگر باشند. عوامل نتیجه^۲، با تأثیرگذاری کم و وابستگی زیاد به سایر عوامل مشخص می‌شوند و به‌صورت ویژه مستعد تغییر در عوامل واسط هستند. عوامل تنظیم‌کننده و مکمل^۳ با تأثیر حداقلی بر سیستم مشخص می‌شوند و می‌توانند برای دستیابی به اهداف راهبردی مفید باشند. عوامل خارجی^۴ با داشتن تأثیر کمتری نسبت به عوامل تعیین‌کننده، اما تأثیر بیشتر نسبت به عوامل مستقل شناخته می‌شوند، و تحت تأثیر متغیرهای دیگر قرار نمی‌گیرند. عوامل مستقل^۵ با اعمال کمترین تأثیر در تغییراتی مشخص می‌شوند که در سیستم به‌عنوان یک واحد کل رخ می‌دهد (Nazarko et al., 2017: 457).

داده‌ها و شواهد موجود در منابع ثانوی دربرگیرنده گزارش‌های دولتی، شرح رویدادهای ثبت شده، و پژوهش‌های انجام شده از سوی تحلیلگران گردآوری خواهند شد، و همراه با داده‌های دست اول به‌دست آمده از راه مصاحبه حضوری با پانزده نفر از کارشناسان موضوع‌های راهبردی غرب آسیا و تکمیل ماتریس‌ها در گروه صاحب‌نظران^۶ بررسی و تحلیل خواهند شد. جمعیت نمونه پنل خبرگی رتبه‌دهی به ماتریس‌های بازیگران-بازیگران و بازیگران-اهداف در این پژوهش شامل هفت نفر از خبرگان موضوع‌های امریکا (دو نفر با مدرک دکتری)، روسیه (یک نفر با مدرک کارشناسی ارشد)، سوریه (دو نفر با مدرک کارشناسی ارشد و دکتری) و ترکیه (دو نفر با مدرک دکتری) شاغل در دستگاه سیاست خارجی است که با نمونه‌گیری هدفمند برگزیده شده‌اند.

۴. حمله‌های ترکیه به شمال سوریه

ترکیه با داشتن طرحی ثابت برای شمال سوریه، با سیاست اعلامی مقابله با تروریسم داعش و (پکک) طی چند مرحله با تجهیز گروه‌های تکفیری در پناه خود مانند جبهه‌النصره، ارتش آزاد سوریه و... به شمال سوریه لشکرکشی کرده است. این حمله‌ها اغلب در مناطق کردنشین سوریه انجام شده است. کردها در مناطق شمال شرقی سوریه (حسکه، القحطانیه، قامیشلی، عامودا، عین‌العرب و المالکیه)، در مناطق مرزی عراق و منطقه عفرین، در مناطق مرزی ترکیه و نیز حی‌اکراد در منطقه صالحیه و شیخ محی‌الدین در دامنه کوه قاسیون دمشق سکونت دارند. نخستین حمله ترکیه با عنوان سپر فرات در شهریور ۱۳۹۵ رخ داد که حاصل آن دو پاره شدن

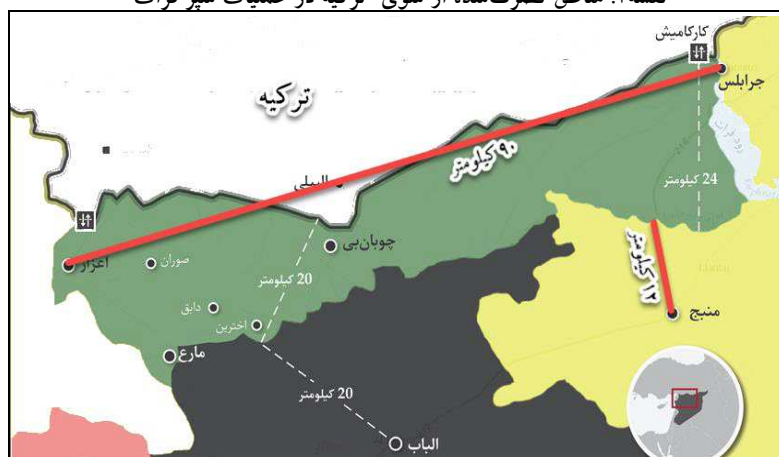
-
1. Aim Factors
 2. Result Factors
 3. Regulatory and Supplementary Factors
 4. External Factors
 5. Autonomic Factors
 6. Panel of Experts (PoE)

مناطق زیر تسلط شاخه سوری (پکک) یعنی حزب اتحاد دموکراتیک کرد سوریه (پ.ی.د) در شمال سوریه بود. حمله دوم با عنوان شاخه زیتون در دی ۱۳۹۶ صورت پذیرفت و هدف آن، حمله به مناطق زیر تسلط شاخه سوری (پکک) به ویژه در منطقه عفرین بود. حمله سوم نیز با عنوان چشمه صلح در پاییز ۱۳۹۸ و به منظور ایجاد منطقه امن و حائل در جدار مرز در شمال سوریه و اسکان پناهندگان سوری در این منطقه بود.

۱.۴. عملیات سپر فرات

پس از عقب رانده شدن نیروهای تکفیری و عقب نشینی تاکتیکی ارتش سوریه، کردهای شاخه سوری (پکک) در مناطق یازیرا و کوبانی در شمال شرق و عفرین در شمال غرب سوریه اعلام خودمختاری کردند. عملیات سپر فرات، در سوم شهریور ۱۳۹۵ پس از کسب رضایت غیررسمی مقامات روسیه از سوی ترکیه آغاز شد و ماهها به طول انجامید. رئیس‌جمهور ترکیه حمایت آمریکا از یگان‌های مدافع خلق را مورد انتقاد قرار داد و حمایت خود را از ارتش آزاد سوریه و تصرف و پاکسازی پنج هزار کیلومتر مربع در مرزهای سوریه با ترکیه برای اسکان آوارگان بوده است (زرچینی، ۱۳۹۵).

نقشه ۱: مناطق تصرف شده از سوی ترکیه در عملیات سپر فرات



منبع: نگارنده.

ایجاد منطقه حائل یا امن و استقرار جمعیت‌های طرفدار ترکیه در این موقعیت، تغییری ساختاری در آن سوی مرز ترکیه با سوریه است که می‌تواند در هر حجمی، پیش‌برنده اهداف

ترکیه در آینده سوریه باشد. این منطقه نخست حائلی بین کردهای سوریه و ترکیه خواهد بود؛ دوم بسته به اینکه تا چه حد، امکان اسکان جمعیت‌های طرفدار ترکیه و مخالف دولت سوریه در این موقعیت پدیدار شود، تداوم نفوذ ترکیه و حتی امکان ایجاد خودمختاری تکفیری‌ها در سایه حمایت ترکیه و در نهایت فراهم شدن زمینه الحاق این سرزمین‌ها به خاک سوریه مانند استان اسکندرون سوریه (استان هاتای ترکیه) با آن هموار خواهد شد. این عملیات با هماهنگی نیروهای نظامی ترکیه و ارتش آزاد سوریه با یکدیگر به‌انجام رسید.

با توجه به تضمین امریکا مبنی بر عقب‌نشینی کردهای (پ.ی.د.) به شرق فرات، نیروهای ترکیه از پیشروی بیشتر خودداری کردند. اگر چه منبج یکی از اهداف عملیاتی ترکیه بود، نیروهای ترکیه به دلیل اصطکاک با نیروهای امریکایی نتوانستند به این هدف عملیاتی دست یابند (Yeşiltaş et al., 2017). افزون‌بر این، روسیه با هدف جلوگیری از دسترسی ترکیه به منبج و متوقف کردن آن در شهر الباب، به بمباران شدید منطقه پرداخت. به‌دنبال ایجاد محدودیت امریکا در مقابل ترکیه برای حمله به منبج، ارتش ترکیه در سوم سپتامبر ۲۰۱۶ به شهر کوبانی و روستاهای اطراف آن و منطقه دابق حمله کرد و سپس روستای وکوف و روستاهای اطراف آن را تصرف کردند. به این ترتیب، با تصرف دابق، فاصله جرابلس تا اعزاز به طول ۹۱ کیلومتر به تصرف نیروهای ترکیه درآمد (Yeşiltaş et al., 2017). بن‌علی بیلدریم نخست‌وزیر ترکیه، در فروردین ۱۳۹۶ بدون اشاره به زمان ترک سوریه از سوی نیروهای ترکیه پایان عملیات سپر فرات را اعلام کرد. وی طی مصاحبه تلویزیونی اظهار داشت که اقدام‌های نظامی ترکیه در شمال سوریه ادامه خواهد داشت (فاخری، ۱۳۹۶).

۲.۴. عملیات شاخه زیتون

عملیات شاخه زیتون، در ۳۰ دی ۱۳۹۶ (۲۰ ژانویه ۲۰۱۸) علیه نیروهای شاخه سوری (پکک) در شهر عفرین انجام گرفت، که به تصرف این شهر به‌دست نیروهای ترکیه و گروه‌های مخالف دولت اسد انجامید. اگر چه عفرین به‌عنوان یکی از بخش‌های حاشیه‌ای در مناطق زیر نظارت کردهای وابسته به (پکک) قرار داشت، به دلیل جایگاه آن به‌منابۀ پل جغرافیایی اتصال کشور کردستان خیالی به دریای مدیترانه از اهمیت فوق‌العاده‌ای برای کردهای تجزیه‌طلب برخوردار است. با شروع عملیات عفرین، فعالیت نظامی ترکیه در منطقه جغرافیایی گسترده‌تر در ساحل غربی فرات گسترش یافت. یکی از عوامل شروع این عملیات، قصد امریکا برای ایجاد گارد مرزی ۳۰۰۰۰ نفری با محوریت نیروهای دموکراتیک سوریه (قسد)^۱ بود که اغلب زیر نظارت (پکک) قرار دارند (Kasapoğlu, Ülgen & Chairman,)

۱. قوات سوريا الديمقراطية یا Syrian Democratic Forces یا Quwwāt Sūriyā al-Dīmuqrāṭīya

2 (2018). آمریکا به دنبال تبدیل نیروی‌های دموکراتیک سوریه (قسد) به نیروی امنیتی مرزی، از سوی ترکیه به عنوان تهدیدی مستقیم درک شد. این اقدام آمریکا می‌تواند در راستای طرح راهبردی این کشور در شمال سوریه و مناطق کردنشین باشد که هم برای ترکیه و هم برای سوریه یک تهدید به‌شمار می‌آید (Yeşiltaş, 2018: 2). آغاز عملیات شاخه زیتون، انتقاد شدید آمریکا و اروپا را به دنبال داشت. در این مقطع، آمریکا شاخه سوری (پکک) را به عنوان متحد خود اعلام کرد و این موضوع سبب گرایش ترکیه به سمت روسیه شد. در مقابل، روسیه نیز نیروهای خود را از عفرین به تارفع منتقل کرد. پس از این حمله دولت سوریه، عفرین را بخش جدایی‌ناپذیر سوریه اعلام کرد و این اقدام ترکیه را محکوم کرد. در این زمان، جمهوری اسلامی ایران نیز، درگیر اغتشاش‌ها و حوادث دی ۱۳۹۶ در چند شهر بود.

ترکیه در حمله سپر فرات، منطقه زیر نظارت کردهای وابسته به (پکک) در سوریه را از مناطق شرق فرات در کنترل کردها از هم جدا کرد. از آنجا که حضور امریکایی‌ها مانع از پیشروی ترکیه به سمت منبج شد، در عملیات شاخه زیتون، ترکیه منطقه عفرین را هدف قرار داد تا این منطقه را از حضور کردهای وابسته به (پکک) پاک کند. این عملیات نیز از سوی ارتش ترکیه و همراهی گروه‌های مختلف تکفیری زیر حمایت ترکیه به انجام رسید. ترکیه با درس گرفتن از تجربه عملیات سپر فرات، تلاش کرد تا با استفاده از نیروی هوایی خود در روز اول جنگ، تونل‌های زیرزمینی یگان‌های مدافع خلق را به وسیله سلاح‌های هوشمند هدف قرار دهد (Kasapoğlu, Ülgen & Chairman, 2018: 5). ترکیه پیش از شروع عملیات، امکان پیشروی تا ۳۰ کیلومتری خاک سوریه را مطرح کرده بود. از نظر سیاسی، آنکارا با عملیاتی کردن شاخه زیتون، اهداف سیاسی مختلفی را دنبال می‌کرد. نخستین هدف، در هم شکستن طرح بهره‌گیری از نیروهای یگان‌های مدافع خلق وابسته به (پکک) برای ایجاد نیروی حفاظتی ۳۰۰۰۰ نفره از سوی آمریکا بود. هدف دوم، تبدیل شدن ترکیه به بازیگری قوی و انکارنشدنی در بحران سوریه بود. هدف اصلی و درازمدت این عملیات پس از پاک‌سازی تهدیدهای (پکک) و شاخه سوری آن، «ایجاد منطقه امن» بوده است. ترکیه قصد داشت تا بافت اجتماعی منطقه را تغییر دهد. طرح راهبردی ترکیه، ایجاد منطقه امن در شمال سوریه و اسکان پناهندگان در این موقعیت است. این اقدام مانع از تحقق طرح بلندمدت (پکک) برای ایجاد کشور کردستان در منطقه به کمک ایالات متحده آمریکا است (Yeşiltaş, 2018: 2). با این حال، نوع اقدام ترکیه در حمله به شمال سوریه و بهره‌گیری از ابزار گروه‌های تکفیری و نوع رفتار ترکیه در پذیرش آوارگان سوری نمایانگر اهداف راهبردی بلندمدت‌تر ترکیه در شمال سوریه است.

۳.۴. عملیات چشمه صلح

این عملیات در پی تماس تلفنی اردوغان و ترامپ در ۱۴ مهر ۱۳۹۸ و تصمیم رئیس‌جمهور آمریکا برای خروج نیروهای خود در نزدیکی مرز ترکیه در سوریه در شهرهای رأس‌العین و تل‌ابيض صورت گرفت. ترامپ در ۱۵ مهر ۱۳۹۸ ضمن تأیید تماس تلفنی خود از حضور ترکیه در شمال سوریه خبر داد، و بر پشتیبانی نکردن نیروهای امریکایی از این عملیات تأکید کرد. بلافاصله، آمریکا نیروهای نظامی خود را از پایگاه‌های نظامی ارقم در شهر رأس‌العین و تل‌ابيض خارج کرد. این عملیات، در ۱۷ مهر با حمله‌های هوایی و پشتیبانی حمله‌های توپخانه‌ای به شهرهای رأس‌العین و تل‌ابيض در شمال شرقی سوریه و شهر عین عیسی در حومه شهر رقه شروع شد. تفاوت این عملیات با دو عملیات پیشین در این بود که ترکیه در این عملیات قصد داشت تا یگان‌های نظامی کرد و نیروهای وابسته به (پکک) را از شمال شرق سوریه اخراج کند و از رود فرات تا مرز عراق در شرق این رود، به عمق ۳۲ کیلومتر و به طول ۴۸۰ کیلومتر «منطقه امن» ایجاد کند. ترکیه خواهان خروج تمام نیروهای نظامی کرد از منطقه واقع در شمال بزرگراه ام^۱ و جایگزینی نیروهای نظامی ترکیه در این مناطق بود. آمریکا برخلاف ترکیه، منطقه امن را مناطق پراکنده‌ای اعلام کرد که تا عمق ۱۵ کیلومتری از مرز ترکیه قرار داشتند.

نقشه ۲: منطقه پیشنهادی ترکیه برای منطقه امن در جریان عملیات چشمه صلح



منبع (غلامی، ۱۳۹۸)

دومین هدف ترکیه، دور کردن کردهای سوریه به‌ویژه حزب اتحاد دموکراتیک از جدار مرز ترکیه بود. سومین هدف ترکیه، به شکست کشاندن سودای ایجاد منطقه خودمختار کردی در شمال شرق سوریه از سوی کردهای هم‌پیوند با (پکک) بود. کردهای سوریه در ۱۳۹۴، در این مناطق اعلام خودمختاری کرده و انتخابات شوراهای شهر را برگزار کردند. چهارمین هدف ترکیه، اسکان پناه‌جویان سوری در منطقه امن در شمال سوریه بوده است. ترکیه کوشید تا با جلب حمایت اتحادیه اروپا، چند میلیون پناهنده سوری را در این مناطق اسکان دهد. پنجمین هدف ترکیه را می‌توان تصاحب سرزمین‌های شمال شرق سوریه عنوان کرد. ترکیه بر این تصور است که می‌تواند از فرصت بحران سوریه برای تکرار تجربه الحاق استان اسکندرون به ترکیه و تغییر نام آن به هاتای، در مناطق حلب و حسکه بهره ببرد.

۴.۴. بازیگران ذی‌نفع در حمله ترکیه به شمال سوریه

با شکست داعش و گروه‌های تکفیری در سوریه و پیروزی ائتلاف مقاومت در جنگ سوریه، ترامپ در راستای وعده انتخاباتی خود، آهنگ خروج از سوریه را نواخت. حزب حاکم در ترکیه بر اساس بازتابی از طرح عمق راهبردی داود اوغلو در دستگاه سیاست خارجی ترکیه، همزمان با امریکا کوشید تا در پایان بحران سوریه، جای پای خود را برای بهره‌گیری از فرصت‌ها و پیشگیری از تهدیدها استحکام بخشد. پایان بحران سوریه برای ترکیه که سال‌ها تمام توان خود را صرف تجهیز گروه‌های تکفیری در این بحران کرده بود، به استحکام (پکک) در جایگاه راهبردی نزدیک به دریای مدیترانه انجامید. اگر چه در شرق مناطق کردی در خاورمیانه، حکومت اقلیم موفق به اعلام خودمختاری شده است، کماکان پروژه تشکیل دولت کردی به دلیل ضعف ژئوپلیتیک و محصور بودن حکومت اقلیم بین کشورهای ایران، ترکیه، عراق و سوریه در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است. تکمیل پروژه دولت کردی به‌عنوان راهبرد ثابت دولت‌های غربی به‌ویژه امریکا و رژیم صهیونیستی، تنها زمانی میسر می‌شود که در غرب مناطق کردی، حکومتی خودمختار با دسترسی به دریای مدیترانه شکل بگیرد (Silo, 2017: 8). در چنین شرایطی، مسیر برای پیاده‌سازی طرح‌های راهبردی امریکا برای منطقه خاورمیانه از تغییر مرزهای سایش‌پیکو میسر خواهد شد. استقلال کردستان موجی از حرکت‌های ناسیونالیستی را در منطقه ایجاد خواهد کرد که در نتیجه آن کشورهای قدرتمندی که موجودیت خود را در دوره ساختار نظام بین‌الملل دوقطبی حفظ کرده بودند، به موجودیت‌های جدیدتر و کوچک‌تر تبدیل خواهند شد.

ترکیه با آگاهی از این طرح امریکا (Biden & Gelb, 2006)، نخست تلاش کرد تا با حمله به شمال سوریه، حزب اتحاد دموکراتیک کرد و نیروهای دموکراتیک سوریه را به‌عنوان دنباله‌های (پکک) در سوریه نابود کند. افزون‌بر این، حمله ترکیه تسهیل‌کننده وسوسه

افزایش قدرت ملی این کشور سازگار با طرح عمق راهبردی و نوع‌مانی‌گری ترکیه است. تهاجم ترکیه به شمال سوریه به‌ویژه در عملیات «چشمه صلح» به‌دلیل آنکه هنوز بحران سوریه به‌سرانجام کامل خود نرسیده بود، بار دیگر بازیگران صحنه بحران را در سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای و غیردولتی برای دستیابی به اهداف و منافع به‌تکاپو انداخت. بازیگران ذی‌نفع در حمله ترکیه به شمال سوریه را می‌توان بر اساس میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آن‌ها به شش گروه زیر تقسیم کرد:

۱. *بازیگران تعیین‌کننده*: این بازیگران بیشترین تأثیر و کمترین وابستگی را به سیستم مورد بررسی دارند و شامل دولت امریکا، روسیه، (پ‌ک‌ک)، جمهوری اسلامی ایران و حزب‌الله هستند. در صورت عملی شدن خروج امریکا از سوریه، نقش روسیه در این دسته، بسیار شایان توجه خواهد بود.

۲. *بازیگران واسطه*: این بازیگران در شمال شرق نمودار بالا قرار گرفته‌اند و شامل بازیگرانی هستند که هم بیشترین تأثیر را بر مسئله حضور ترکیه در شمال سوریه دارند؛ و در عین حال، از دیگر بازیگران بسیار تأثیر می‌پذیرند. دولت ترکیه، اتحادیه اروپا، عربستان و امارات، حزب اتحاد دموکراتیک کرد سوریه (پی‌وای‌دی) و رژیم صهیونیستی در این دسته قرار دارند.

۳. *بازیگران هدف*: کشور عراق و نیروهای دموکراتیک سوریه (قسد) در زمره بازیگران هدف در حضور ترکیه در شمال سوریه هستند. این بازیگران با درجه کمتری از تأثیر و وابستگی بیشتر در این گروه جای گرفته‌اند.

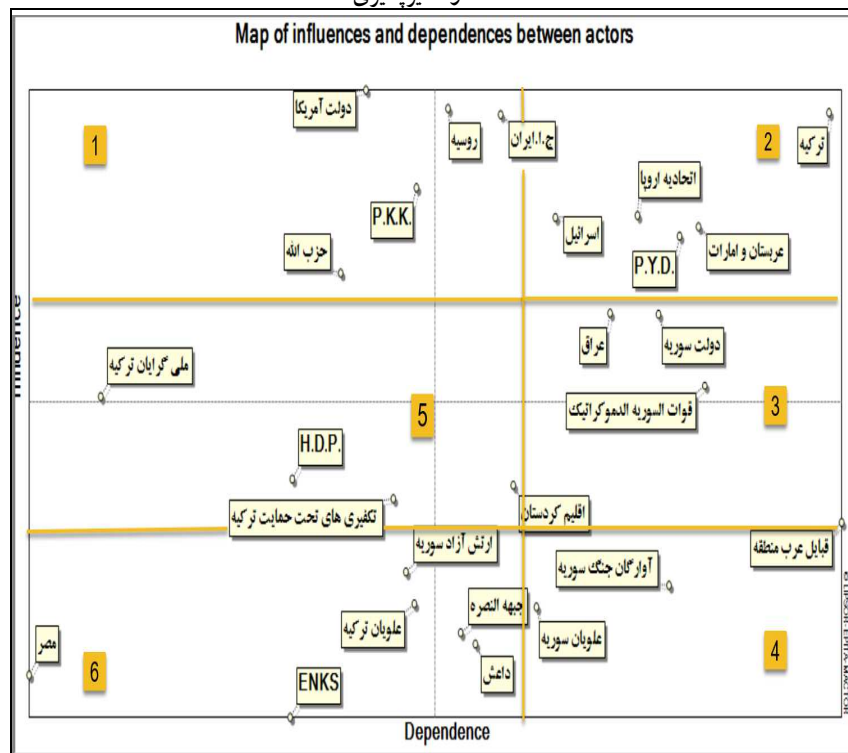
۴. *بازیگران تنظیم‌کننده*: حزب دموکراتیک مردم در ترکیه (ه.د.پ.)^۱، تکفیری‌های زیر حمایت ترکیه، حکومت اقلیم عراق و ملی‌گرایان ترکیه در زمره بازیگران تنظیم‌کننده در حضور ترکیه در شمال سوریه هستند. در این میان، با توجه به جایگاه ملی‌گرایان ترکیه در نمودار ۲، می‌توان این بازیگر را در زمره بازیگران خارجی نیز به‌شمار آورد. بازیگران خارجی در نمودار تأثیرگذاری و تأثیرپذیری، تأثیرگذاری تاحدی بالا و تأثیرپذیری پایینی بر سیستم مورد پژوهش دارند.

۵. *بازیگران نتیجه*: این بازیگران در جنوب‌شرقی نمودار واقع شده‌اند، بدون توان تأثیرگذاری در موضوع حضور ترکیه در شمال سوریه هستند و به‌شدت از این موضوع تأثیرپذیرند. آوارگان جنگ سوریه، قبایل عرب منطقه درگیری و علویان سوریه از جمله بازیگران با وابستگی زیاد و تأثیر کم به‌شمار می‌آیند. این بازیگران اغلب به‌مثابه ابزاری برای قدرت‌های تعیین‌کننده و بازیگران واسطه هستند.

1. Halkların Demokratik Partisi (HDP) / Peoples' Democratic Party

۶. بازیگران مستثنا (یا مستقل): بازیگران در منطقه جنوب غربی نمودار واقع شده‌اند که نه تأثیرپذیری بالا، و نه تأثیرگذاری شایان توجهی دارند؛ و می‌توان آن‌ها را نادیده گرفت. به عبارتی این بازیگران به‌خودی‌خود نمی‌توانند تغییرات چشمگیری در معادله‌های حضور ترکیه در شمال سوریه به‌وجود آورند. ارتش آزاد سوریه، جبهه‌النصره، داعش، شورای میهنی کردهای سوریه^۱، علویان ترکیه و دولت مصر در این دسته جای گرفته‌اند. با توجه به جایگاه سه بازیگر، ارتش آزاد، جبهه‌النصره و داعش در نمودار ۲، می‌توان این سه بازیگر را در زمره بازیگران مکمل قرار داد ولی با توجه به وابستگی شدید موجودیت این بازیگران به بازیگران در گروه‌های دیگر و جایگاه متزلزل آن‌ها، در این پژوهش این بازیگران در گروه بازیگران مستثنا در نظر گرفته شدند.

نمودار ۲: نمودار جایگاه بازیگران ذی‌نفع در حضور ترکیه در شمال سوریه بر اساس میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری

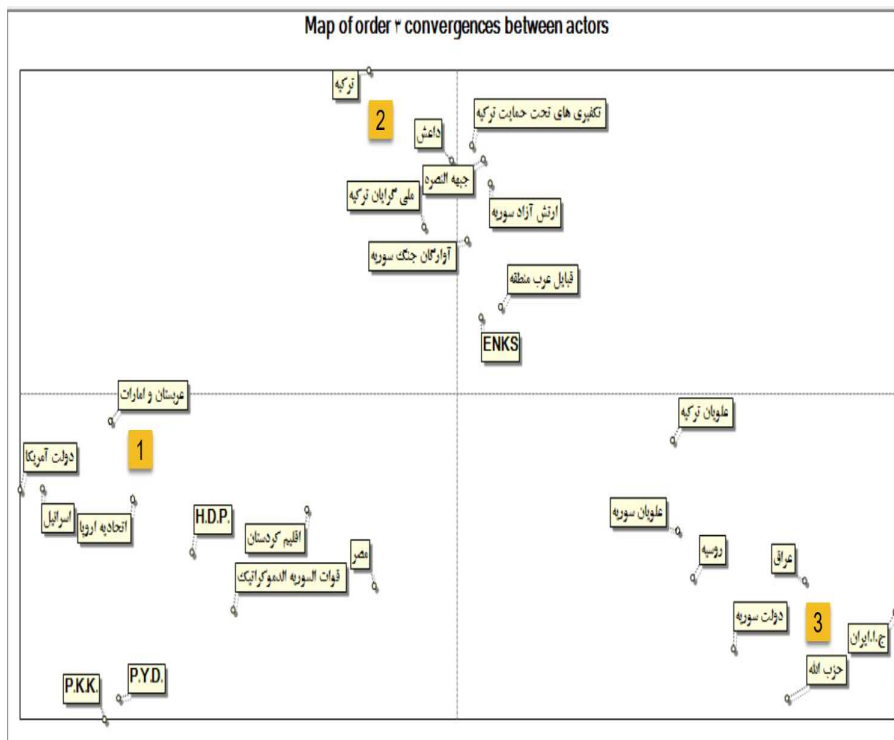


1. Syrian Kurdish National Council (ENKS)

۵.۴. همگرایی و واگرایی بازیگران ذی‌نفع

در نمودار ۳، همگرایی بین بازیگران در دنبال کردن اهداف ترسیم شده است. بر اساس این نمودار چند خوشه از بازیگران را می‌توان از یکدیگر تفکیک کرد که تشابه زیادی در اهداف آن‌ها وجود دارد. خوشه اول بازیگران شامل جمهوری اسلامی ایران، حزب‌الله، عراق، روسیه، دولت سوریه و علویان سوریه است. خوشه دوم بازیگران نیز شامل ترکیه، جبهه‌النصره، داعش، تکفیری‌های زیر حمایت ترکیه، ملی‌گرایان ترکیه، ارتش آزاد سوریه، آوارگان جنگ سوریه و شورای میهنی کردهای سوریه و قبایل عرب منطقه هستند. خوشه سوم بازیگران نیز شامل امریکا، رژیم صهیونیستی، اتحادیه اروپا، عربستان و امارات، قسد، اقلیم کردستان، حزب دموکراتیک مردم (ه.د.پ.)، (پ.ک.ک.) و شاخه‌های سوری آن است. آرایش بازیگران در خوشه سوم نشان‌دهنده تشبث در این خوشه است. فاصله (پ.ک.ک.) و (پ.ی.د.) از دیگر بازیگران در این خوشه، نشان‌دهنده تاکتیکی بودن همگرایی بازیگران در این خوشه و تفاوت‌ها در اهداف بازیگران در این خوشه است.

نمودار ۳: نمودار همگرایی بازیگران در اهداف حضور ترکیه در شمال سوریه



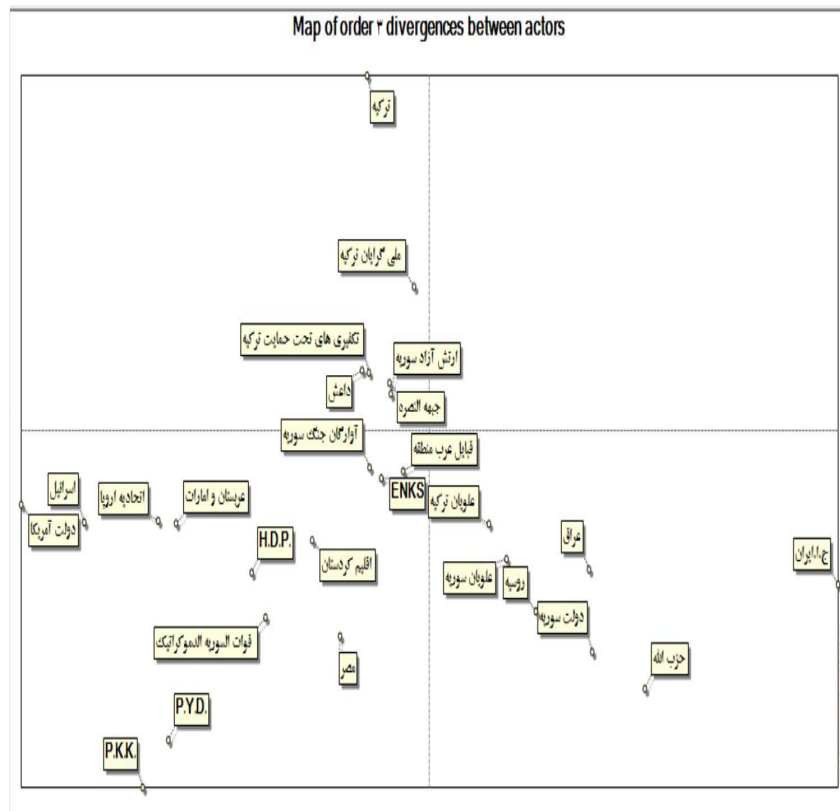
منبع: نگارنده.

در میان بازیگران در سه شاخه ذکرشده، اقلیم کردستان، قبایل عرب منطقه درگیری، حزب اتحادیه میهنی سوریه و علویان ترکیه تا حدودی در مناطق حاشیه‌ای بازیگران هم‌خوشه‌ای خود قرار دارند که این موضوع نشان‌دهنده استقلال نسبی آن‌ها در اهداف است. با اینکه این استقلال نسبی در تعیین و پیگیری اهداف برای اقلیم کردستان عراق شایان توجه است و در ظاهر دشمنی آشکاری بین حکومت اقلیم و (پکک) دیده می‌شود، در نهایت این دو بازیگر در یک خوشه قرار می‌گیرند. این نزدیکی در اهداف شاید به دلیل چشم‌انداز مشترک آن‌ها در استقلال کردستان در آینده است. نکته جالب توجه دیگر در این قسمت، قرار گرفتن حزب دموکراتیک مردم نیز در این خوشه است که نمایانگر نزدیکی اهداف این حزب ترکیه به حکومت اقلیم و (پکک) است.

در خوشه دوم، ترکیه دارای اهداف نزدیک به تکفیری‌ها به‌ویژه داعش، جبهه‌النصره و آوارگان جنگ سوریه در موضوع حمله به شمال سوریه است. نکته جالب توجه در این خوشه، قرار گرفتن شورای میهنی کردهای سوریه در این خوشه و اهداف نزدیک‌تر آن به ترکیه نسبت به اقلیم کردستان است. از ترکیب بازیگران در خوشه دوم می‌توان این نکته را استنباط کرد که ترکیه برای پیشبرد برنامه‌های خود در حمله به شمال سوریه بیشترین استفاده را از گروه‌های تکفیری، آوارگان جنگ سوریه و... می‌برد. در صورت موفقیت ترکیه در تغییر ترکیب جمعیتی شمال سوریه در جدار مرزهای خود، امکان شکل‌دهی به منطقه‌ای برای ترکیه وجود دارد که به لحاظ ساختاری، تهدیدی دائمی برای امنیت ملی سوریه به‌شمار خواهد رفت. برای ترسیم استحکام همگرایی‌ها لازم است واگرایی بین بازیگران نیز واکاوی و تجزیه و تحلیل شود. نمودار ۴، واگرایی بازیگران را در موضوع حضور ترکیه در شمال سوریه واکاوی کرده است و بر اساس آن، (پکک)، ترکیه و جمهوری اسلامی ایران بیشترین واگرایی اهداف را در حضور ترکیه در شمال سوریه دارند. حضور ترکیه در شمال سوریه موجب وارد آمدن ضربه به دنباله‌های (پکک) در خاک سوریه و تضعیف گسترده این گروه خواهد شد. این گروه زمانی بیش از پیش تضعیف خواهد شد که ترکیه بتواند، به لحاظ ساختاری در جدار مرزهای خود در خاک سوریه، بافت جمعیتی را به‌صورت گسترده تغییر دهد و جمعیتی همسو و متناسب با طرح عمق راهبردی خود در این سرزمین جایگزین سازد. در این صورت، طرفداران ایده کردستان بزرگ چه (پکک) و چه حکومت اقلیم از ابزار کردهای سوریه در دنبال کردن هدف نهایی خود یعنی تشکیل کردستان مستقل محروم خواهند شد. از سوی دیگر، به دلیل گرایش‌های تکفیری بافت جمعیتی جدید در شمال سوریه، بی‌ثباتی سیاسی از ناحیه شمال سوریه به مناطق عمقی‌تر این کشور تزریق خواهد شد و با گسترش ناامنی و نفوذ ترکیه در سوریه، احتمال تضعیف شبکه ارتباطی جبهه مقاومت بیشتر خواهد

شد. در چنین بافتاری، تعارض اهداف جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در جریان حمله به شمال سوریه بیشتر خواهد شد.

نمودار ۴: نمودار واگرایی بازیگران در اهداف حمله به شمال سوریه



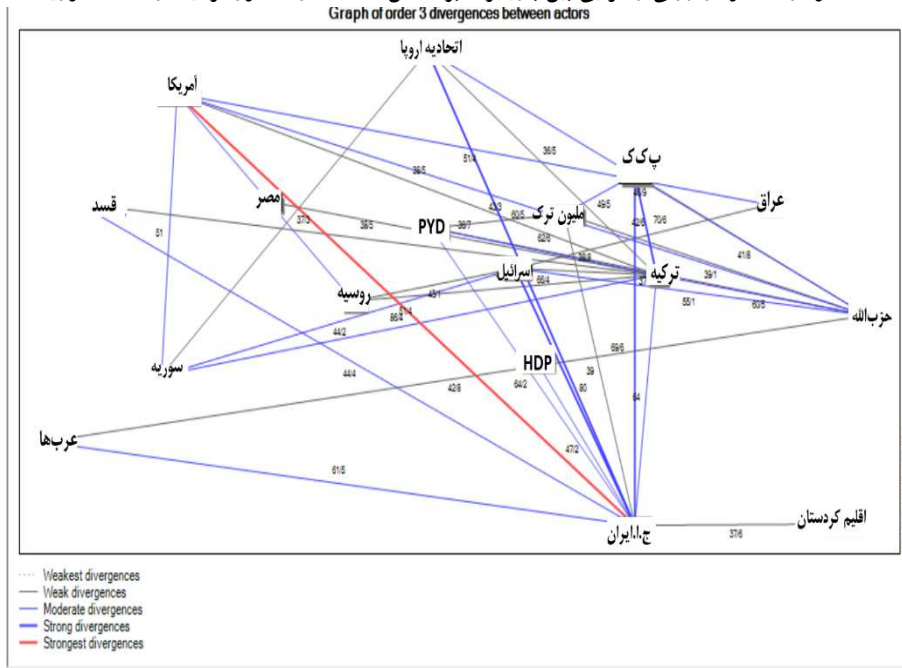
منبع: نگارنده.

ترکیه پس از روی کار آمدن اسلام‌گرایان، مدیریت قومی کرد از سوی جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان الگوی خود قرار داد و در این زمینه، تلاش کرد تا هویت مذهبی را جایگزین هویت قومی کند. تأکید بر هویت مذهبی به دلیل اشتراک هویت مذهبی امکان همگرایی عمومی کردهای ترکیه با دولت ترکیه را فراهم می‌آورد و می‌تواند گامی مؤثر در حل مسئله کردی در ترکیه باشد. تأکید بر هویت کردی به‌منزله عبور از هویت پان‌ترکیستی دولت ترکیه است.

بر اساس نمودار ۴، ترکیه و ایران در تنگنای تنهایی معناداری به‌سر می‌برند که در این میان، روسیه به دلیل احساس تهدید وجودی از ناحیه امریکا به جمهوری اسلامی ایران و جریان مقاومت نزدیک‌تر است. در تنگنای تنهایی دولت ترکیه، اگر این کشور به‌سمت امریکا و خوشه

قدرت زیر نفوذ این کشور حرکت کند، گام در مسیری نهاده است که به قدرت‌یابی کردهای طرفدار کردستان بزرگ منجر خواهد شد و اگر با جریان مقاومت همگام شود، به‌ناچار باید جایگاه خود را در ذیل گفتمان مقاومت بازتعریف کند. از آنجا که تداوم حضور حزب حاکم ترکیه در آینده قدرت ترکیه به‌عنوان یک عدم قطعیت به‌شمار می‌آید، روی کار آمدن جریان‌های سکولار منجر به بازگشت ترکیه به‌سمت غرب و تداوم سیاست‌های پان‌ترکیستی در این کشور خواهد شد. این روند، تداوم حرکت نوسانی ترکیه در جدال با کردهای واگرایی این کشور را به‌دنبال خواهد داشت. به‌نظر می‌رسد، در چنین شرایطی، حزب حاکم ترکیه در شرایط تزلزل در عرصه سیاست و تدبیر گرفتار آمده است و به‌ناگزیر باید در کوتاه‌مدت یا میان‌مدت دست به انتخاب‌های تعیین‌کننده‌ای بزند یا اینکه زمین بازی را متناسب با اهداف خود در منطقه تغییر دهد.

نمودار ۵: نمودار وزنی واگرایی بین بازیگران بر اساس اهداف در حضور ترکیه در شمال سوریه
Graph of order 3 divergences between actors

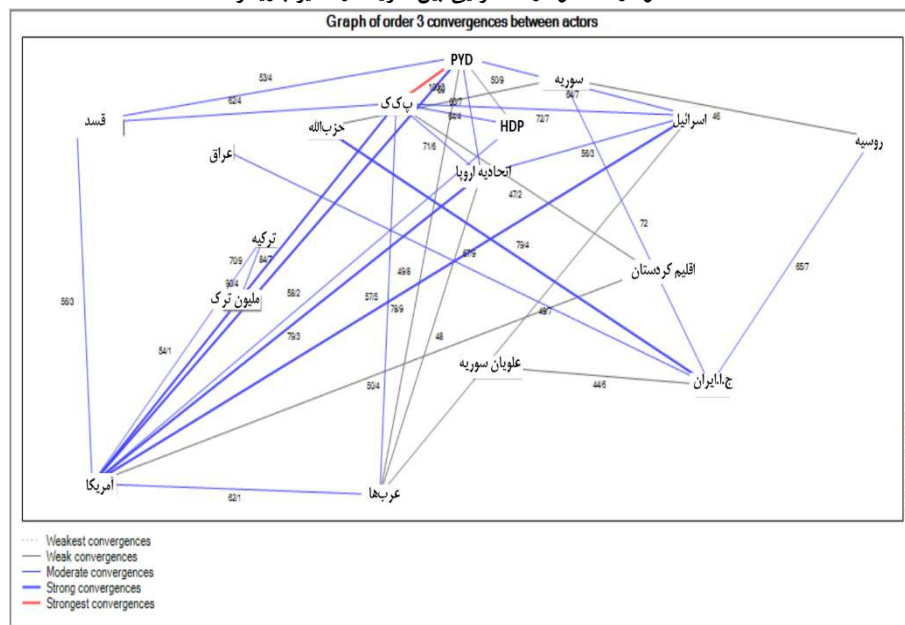


منبع: نگارنده.

نمودار ۵، نشان‌دهنده واگرایی بین بازیگران در اهداف حضور ترکیه در شمال سوریه است. بر اساس این نمودار، جمهوری اسلامی ایران بیشترین واگرایی را با دولت آمریکا، رژیم صهیونیستی، اتحادیه اروپا و (پ.ک.ک) دارد. اهداف دولت روسیه در حضور ترکیه در شمال

سوریه نیز در تعارض با اهداف دولت امریکا، رژیم صهیونیستی و حزب حاکم ترکیه است. روسیه نیز بیشترین تعارض اهداف را با اتحادیه اروپا، دولت ترکیه و (پکک) دارد. به عبارت دیگر، در صحنه حضور ترکیه در شمال سوریه، روسیه دارای اهداف متعارضی با ترکیه است و از سوی دیگر، ترکیه به دلیل حمایت‌های دولت امریکا از کردهای تجزیه‌طلب دارای اهداف متعارضی با اهداف امریکا در منطقه است.

نمودار ۶: نمودار همگرایی بین امریکا و سایر بازیگران



منبع: نگارنده.

بر اساس نمودار ۶، دولت امریکا، همگرایی زیادی در اهداف با (پکک) و سپس با شاخه سوری این گروه دارد. افزون‌بر این، امریکا در جریان حضور ترکیه در شمال سوریه، اهداف مشترکی را با رژیم صهیونیستی و ترکیه دنبال می‌کند. داعش، کشورهای عربی و اقلیم کردستان نیز همگرایی ضعیف‌تری را در این موضوع با دولت امریکا دارند. اهداف جمهوری اسلامی ایران با روسیه و دولت سوریه دارای همگرایی شایان توجه است و با نسبت کمتر با دولت ترکیه، (پکک) و شاخه سوری آن نیز همگرایی‌هایی را دارد. امریکا تهدیدی بسیار جدی در صحنه سوریه برای روسیه، جبهه مقاومت و نیز دولت سوریه است. از همین رو، این سه بازیگر برای مقابله با تهدید وجودی مشترک، روابط نزدیکی با یکدیگر دارند. با این حال،

کردهای واگرا برای ترکیه، تهدید وجودی جدی به‌شمار می‌آید و به‌دلیل وجود این تهدید با نسبت کمتر برای ایران، اهداف مشترکی برای ایران و ترکیه در این عرصه تعریف‌شدنی است. از آنجا که شاخه سوری (پکک) به‌شدت از سوی ترکیه در جریان حمله به شمال سوریه تهدید می‌شود و ترکیه در جریان این حمله اهدافی فراتر از مقابله با این گروه را دنبال می‌کند، همگرایی در اهداف (پکک) و ایران نیز به‌عنوان یکی از خطوط همگرایی شایان توجه شکل می‌گیرد.

۵. نتیجه

بازیگران ذی‌نفع در حمله ترکیه به شمال سوریه در سه دسته بازیگران بین‌المللی، منطقه‌ای و محلی قرار می‌گیرند. ایالات متحده آمریکا، روسیه و اتحادیه اروپا مهم‌ترین بازیگران بین‌المللی سیستم مورد پژوهش هستند. اهداف آمریکا در سوریه را باید در چارچوب حفظ ثبات هژمونیک آمریکا در برابر چین و روسیه و نیز حفظ امنیت رژیم صهیونیستی تحلیل کرد. چین و روسیه به‌عنوان قدرت‌های نوظهور اقتصادی و نظامی مهم‌ترین تهدیدهای امنیت ملی آمریکا به‌شمار می‌آیند. آمریکا در دوره اوباما با ایفای نقش در لیبی و اوکراین، روسیه را زیر فشار قرار داد و در جریان بحران سوریه، به‌دنبال تعمیق تسلط خود بر همه خاورمیانه برای به‌تضعیف کشاندن روسیه و چین بوده است. تشکیل ائتلاف ضد‌داعش با حضور ده‌ها کشور به رهبری آمریکا سبب شد تا روسیه به‌منظور دفاع از منافع و پیشگیری از تعمیق تهدیدها علیه خود در ۲۰۱۵ برای دفاع از نظام سیاسی سوریه وارد میدان بحران سوریه شود. به این ترتیب، ائتلافی جدید متشکل از روسیه، ایران، عراق، سوریه و مهم‌ترین سازمان غیردولتی خاورمیانه یعنی حزب‌الله علیه ائتلاف به رهبری آمریکا شکل گرفت.

در طول سال‌های پس از شروع بحران، به‌دلیل عدم توفیق ائتلاف به سرکردگی آمریکا برای دستیابی به اهدافی مانند برکناری بشار اسد از قدرت در سوریه و پیگیری اهداف متعارض از سوی اعضا، این ائتلاف با چالش‌های بسیار جدی مواجه شد. رقابت‌های ایدئولوژیکی و ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه‌ای شرکت‌کننده در این ائتلاف، به‌تدریج سبب شد تا کشورهایمانند عربستان و ترکیه رو در روی هم بایستند. در سطح تحلیل محلی نیز، گروه‌هایی مانند (پکک) و شاخه سوری آن، تکفیری‌های مسلح طرفدار القاعده و داعش، قسد، قبایل عرب منطقه درگیری و... به‌شدت تحت تأثیر حمله ترکیه و حضور این کشور در شمال سوریه قرار گرفته‌اند.

انگیزه‌های حزب حاکم ترکیه به رهبری اردوغان، نقش اساسی در طرح حمله و حضور این کشور در شمال سوریه داشته است. تحلیل روند چرخش هویتی ترکیه از ایدئولوژی

پان‌ترکیستی و پان‌تورانیستی به اسلام‌گرایی اخوانی و نوع‌ثمانی‌گری، نمایان‌گر انگیزه‌های توسعه‌طلبانه حزب عدالت و توسعه است. این چرخش هویتی در ترکیه پس از پیروزی اسلام‌گرایان در، روند هویت‌سازی جدیدی را در ترکیه ایجاد کرده که این روند پس از شروع بحران سوریه وارد مرحله جدیدی شده است. حزب حاکم ترکیه در مواجهه با مسئله واگرایی قومی این کشور، به دنبال گردآوردن کردها با ابزار هویت دینی تحت هویت یکپارچه ملی برآمد و در این مسیر با مانع سرسخت (پکک) مواجه شد. بحران سوریه از دیدگاه سران حزب حاکم این کشور، فرصت مناسبی برای از بین بردن تهدید (پکک) و افزایش قدرت ترکیه در قالب ایدئولوژی نوع‌ثمانی بود. همین تفکر سبب شد تا پیوندی نامبارک بین ترکیه و تکفیری‌های طرفدار داعش و القاعده در سوریه پدیدار شود. افزون‌بر این، پیوندهای بین اخوان‌المسلمین سوریه و ترکیه در طی چند دهه گذشته سبب شد تا حزب حاکم ترکیه، سودای تعمیق نفوذ و خارج ساختن رقبا از میدان سوریه را با سودای قدرت‌یابی اخوان‌المسلمین در سوریه در سر بپروراند. مجموع این شرایط زمینه‌های حمله ترکیه به سوریه را فراهم آورد.

ترکیه در عملیات سپر فرات در شهریور ۱۳۹۵، منطقه شرق فرات در خاک سوریه را از جرابلس تا اعزاز تحت تصرف خود درآورد و نیروهای کرد وابسته به (پکک) را از این مناطق عقب راند. عمده پیشروی ترکیه در این حمله، مناطق عمقی شرق فرات بود. نیروهای ترکیه در منبج جایی که نیروهای امریکایی استقرار داشتند، متوقف شدند. عملیات شاخه زیتون در ۳۰ دی ۱۳۹۶ در شهر عفرین سوریه و پس از هماهنگی با روسیه به‌انجام رسید. عفرین برای کردهای تجزیه‌طلب به‌مثابه پل اتصال کشور خیالی کردستان با دریای مدیترانه است. در این عملیات، نیروهای قسد به‌عنوان پیاده‌نظام امریکا در خاک سوریه، از سوی ترکیه مورد هدف قرار گرفتند. عملیات چشمه صلح نیز در ۱۴ مهر ۱۳۹۸ با تصمیم ترامپ برای خروج نیروهای امریکایی از سوریه آغاز شد. عملیات چشمه صلح به‌دلیل عزم جدی ترکیه برای ایجاد تغییرات ساختاری جمعیتی در شمال سوریه، موجب تغییر اهداف و راهبردهای بازیگران درگیر در منازعه سوریه شد.

با به‌کارگیری روش تحلیل ساختاری راهبردهای بازیگران در حمله و حضور ترکیه در شمال سوریه، بازیگران بر اساس میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری از سیستم مورد بررسی به چند دسته تقسیم می‌شوند. امریکا، روسیه، جمهوری اسلامی ایران، حزب‌الله، و (پکک) در دسته نخست یعنی بازیگران تعیین‌کننده جای گرفته‌اند. این بازیگران دارای تأثیر زیاد و وابستگی کم هستند. دولت ترکیه؛ اتحادیه اروپا؛ (پ.ی.د.)، رژیم صهیونیستی، عربستان سعودی و امارات متحده عربی در دسته بازیگران واسطه جای گرفته‌اند که هم از تأثیرگذاری و

هم تأثیرپذیری بالایی بر سیستم مورد بررسی برخوردارند. تأثیرگذاری زیاد توأم با تأثیرپذیری زیاد، جایگاه ویژه‌ای به این دسته از بازیگران در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری بخشیده است. عراق، دولت سوریه و (قسد) در زمره بازیگران هدف جای گرفته‌اند که دارای وابستگی زیاد و تأثیرگذاری کمتر نسبت به بازیگران واسط هستند. تکفیری‌های در پناه ترکیه و حزب دموکراتیک مردم، حکومت اقلیم عراق و ملی‌گرایان ترکیه جزو بازیگران تنظیم‌کننده‌اند که تأثیرگذاری و تأثیرپذیری کمتری نسبت به بازیگران واسط و هدف دارند. بازیگران نتیجه که دارای تأثیر کم و وابستگی زیادی در حمله ترکیه به شمال سوریه هستند نیز شامل آوارگان جنگ سوریه، قبایل عرب منطقه درگیری و علویان سوریه هستند. این بازیگران، به شدت تحت تأثیر نتایج رقابت بین بازیگران در سطوح مختلف‌اند. سایر بازیگران به‌عنوان بازیگران مستثنا شناخته شدند که هم تأثیرگذاری و هم تأثیرپذیری کمی دارند.

تحلیل مواضع بازیگران نشان داد که در بین بازیگران مطرح، روسیه، دولت ترکیه و دولت سوریه، از تردیدپذیری بالایی برخوردارند و ائتلاف آن‌ها با دیگر بازیگران شکننده است. افزون‌بر این، سه قطب‌بندی بین بازیگران ذی‌نفع، شناسایی شد که در یک قطب، روسیه، ایران، عراق، سوریه و علویان قرار گرفته‌اند. در قطب دیگر، امریکا، کشورهای عربی، رژیم صهیونیستی و اتحادیه اروپا، و اندکی با فاصله، (پکک) و شاخه سوری آن، (قسد)، اقلیم کردستان، حزب دموکراتیک مردم قرار گرفته‌اند. در نهایت، دولت ترکیه، حزب حاکم ترکیه، تکفیری‌های در پناه ترکیه، داعش، کردهای تجزیه‌طلب ایرانی، ارتش آزاد سوریه و... در یک قطب جای گرفته‌اند.

نمودار واگرایی و همگرایی بازیگران نشان داد که ایران، ترکیه و (پکک) بیشترین فاصله را در اهداف با یکدیگر دارند؛ و در شرایط کنونی، امکان قرار گرفتن این سه بازیگر در یک ائتلاف برای حمله ترکیه به شمال سوریه وجود ندارد. در این میان، ترکیه به دلیل داشتن اهداف به شدت متعارض با دیگر بازیگران، قدرت مشارکت در هیچ ائتلاف پایداری را نخواهد داشت. این بازیگر، به دلیل سیاست امریکا در حمایت از جدایی طلبان کرد، نمی‌تواند با امریکا وارد ائتلاف پایدار شود و به دلیل حمایت از تروریست‌های تکفیری، نمی‌تواند با روسیه، جمهوری اسلامی ایران و حتی اتحادیه اروپا وارد ائتلاف پایدار شود. نخست اینکه ترکیه در شمال سوریه نخست در پی مهار بخشی از جنبش جدایی طلبی کردی بوده است؛ و دوم اینکه به دنبال تعمیق قدرت خود در سوریه با حمایت از قدرت‌یابی اخوان المسلمین در این کشور بوده است. هدف توسعه طلبانه ترکیه در سوریه با بهره‌گیری از ابزار تکفیری‌ها، از یک سو با اهداف جبهه مقاومت، و از سوی دیگر با اهداف امریکا در منطقه، تعارض دارد. امریکا، اتحادیه اروپا و رژیم صهیونیستی شکل‌گیری بلوکی از قدرت اخوانی متشکل از ترکیه، سوریه

و شاید مصر را تحمل نخواهند کرد. افزون‌بر این، اگرچه حزب عدالت و توسعه در انتظار قدرت‌یابی اخوان‌المسلمین در سوریه است، بین ایدئولوژی اخوانی سوریه و راهبردهای ملی‌گرایانه ترکیه انطباق زیادی وجود ندارد؛ و احتمال بروز شکاف بین این دو مانند نمونه شکاف تاریخی بین حزب بعث در کشورهای سوریه و عراق بسیار زیاد است.

بیانیه نبود تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که تعارض منافع وجود ندارد؛ و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را که شامل پرهیز از دزدی ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوء رفتار و غیره، به‌طور کامل رعایت کرده‌اند.

حمایت مالی

این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان «تحلیل راهبردهای بازیگران در خصوص حمله و حضور ترکیه در شمال سوریه» است که با حمایت مالی «موسسه مطالعات راهبردی» انجام‌شده؛ و در نتیجه، مراتب قدردانی و سپاس نگارنده از آن موسسه اعلام می‌شود.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. احمدی، حمید. (۱۳۷۷) *ریشه‌های بحران در خاورمیانه*. تهران: کیهان.
۲. جلالی، رضا. (۱۳۸۸) «چیستی و مصادیق نظریه ثبات هژمونیک»، *فصلنامه دانشنامه (واحد علوم و تحقیقات)*، ۷۳: ۵۳-۷۷. در: https://html.۴۰۷۶_article/ir.ac.srbiau.daneshnameh/ (۱۱ مهر ۱۴۰۰).
۳. حق‌پناه، جعفر. (۱۳۸۹، تابستان) «موازنه فراگیر: الگوی تحلیل نقش قومیت بر سیاست خارجی با تأکید بر خاورمیانه»، *فصلنامه سیاست*، ۴۰، ۱۴: ۷۷-۹۴. در: https://jppq.ut.ac.ir/article_21171.html (۱۱ مهر ۱۴۰۰).
۴. دستمالی، محمدعلی. (۱۳۹۵) «یادداشت راهبردی: ترکیه و چالش کردی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۷۱: ۱۷۶-۱۷۱. در: http://quarterly.risstudies.org/article_33418.html (۱۲ مهر ۱۴۰۰).
۵. زرچینی، محمد. (۱۱ اسفند ۱۳۹۵) «هدف نهایی عملیات «سپرفرات» ارتش ترکیه چیست؟»، *خبرگزاری باشگاه خبرنگاران جوان*، در: <https://www.yjc.ir/00PAhW> (۱۱ مهر ۱۴۰۰).
۶. ساعی، احمد؛ فزاد پیلتن. (۱۳۹۰، پاییز) «نظریه ثبات هژمونیک، اقتصاد جهانی و تجارت چندجانبه»، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، ۱۶: ۹۱-۱۰۶. در: <http://pdf.۴/۱۶/archive/psq~/ir.ac.kiau/> (۱۲ مهر ۱۴۰۰).
۷. غلامی، بنفشه. (۱۳۹۸، شهریور ۱۱) «آتش امریکا بر جان آتش‌بس در شمال سوریه»، *ایران‌آنلاین*. در: <http://www.ion.ir/news/498132> (۱۲ مهر ۱۴۰۰).
۸. فاخری، حسن. (۱۳۹۶، فروردین ۱۰) «عملیات سپر فرات ترکیه در شمال سوریه پایان یافت»، *خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران*. در: www.irna.ir/news/82477492 (۱۰ مهر ۱۴۰۰).
۹. مومنی، مجیدرضا؛ عطیه خادمی، حامد قورجیلی. (۱۳۹۱، پاییز) «بررسی مواضع و اقدامات ترکیه در بحران

- سوریه بر اساس رهیافت تصمیم‌گیری» پژوهش‌های سیاسی، ۵: ۳۲-۵۴. در: https://prj.ui.ac.ir/issue_3771_4059.html (۱۱ مهر ۱۴۰۰).
۱۰. نیاکویی، سیدامیر؛ علی اصغر ستوده. (۱۳۹۵، پاییز) «الگوی تقابل بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در منازعات داخلی سوریه و عراق (۲۰۱۱-۲۰۱۵)» فصلنامه راهبرد، ۸۰: ۱۱۷-۱۵۱. در: <http://rahbord.csr.ir/article-124600.html> (۱۰ مهر ۱۴۰۰).

ب) انگلیسی

11. Bendahan, Samuel; Giovanni Camponovo; and Yves Pigneur. (2004) "Multi-Issue Actor Analysis: Tools and Models for Assessing Technology Environments," *Journal of Decision Systems* 13, 2: 223-253, <DOI: 10.3166/jds.13.223-253>.
12. Biden, Joseph R.; and Leslie H. Gelb. (2006, May 1) "Unity through Autonomy in Iraq," *New York Times*. Available at: <https://www.nytimes.com/2006/05/01/opinion/01biden.html> (Accessed 2 May 2020).
13. Cengiz, Sinem. (2020, June) "Assessing the Astana Peace Process for Syria: Actors, Approaches, and Differences." *Contemporary Review of the Middle East* 7, 2: 200-214, <DOI: 10.1177/2347798920901876>.
14. Gilpin, Robert. (1981) *War and Change in World Politics*. Cambridge: Cambridge University Press.
15. Kasapoğlu, Can; Sinan Ülgen; and Edam Chairman. (2018) "Operation Olive Branch: A Political-Military Assessment," *edam.org.tr (Centre for Economics and Foreign Policy Studies)* 30. Available at: <https://edam.org.tr/wp-content/uploads/2018/01/Operation-Olive-Branch-02-1.pdf> (Accessed 2 May 2020).
16. Nazarko, Joanicjusz, et al. (2017) "Structural Analysis as an Instrument for Identification of Critical Drivers of Technology Development," *Procedia Engineering* 182, 474-481, <DOI: 10.1016/j.proeng.2017.03.137>.
17. Pettersson, Emelie. (2020) "An Analysis of Foreign Involvement within the Syria Conflict.: Why had the United States and Russia a Foreign Interest in Syria," *diva-portal.org*. Available at: <https://www.diva-portal.org/smash/record.jsf?pid=diva2:1385300> (Accessed 2 October 2021).
18. Silo, Talal. (2017, December 20) "Ex-SDF Man Tells of US Support for PKK/PYD," *Anadolu Agency* 3. Available at: <http://repository.uinjkt.ac.id/dspace/handle/123456789/49218> (Accessed 2 October 2021).
19. Trump, Donald J. (2017) *National Security Strategy of the United States of America*. Washington, DC: Executive Office of the President. Available at: <https://apps.dtic.mil/sti/citations/AD1043812> (Accessed 12 April 2020).
20. Yeşiltaş, Murat. (2018). "Turkey's Strategic Reasoning behind Operation Olive Branch," *setav.org*. Available at: https://setav.org/en/assets/uploads/2018/01/34_Perspective.pdf (Accessed 2 May 2020).
21. Yeşiltaş, Murat, et al. (2017) "Operation Euphrates Shield Implementation and Lessons Learned," *bit.ly (SETA Foundation for Political, Economic and Social Research)*. Available at: <https://bit.ly/396gotl> (Accessed 2 May 2020).



Research Paper

Convergence and Divergence of Actors in Turkey's Military Offensive in Northern Syria

Mossadegh GanjKhanlou *

¹ Assistant Professor, the Ministry of Science, Research and Technology, Tehran, Iran

Received: 12 September 2020, Accepted: 14 March 2022
© University of Tehran

Abstract

One of the most important problems of the last decade in the international arena has been the protracted Syrian crisis, which has involved a multitude of extra-regional, regional and domestic actors. In February 2019, the Resistance Coalition defeated ISIS, and paved the way for Turkey's invasion of northern Syria with the stated objective of countering the security threat of Kurdistan Workers' Party (PKK) which is designated as a terrorist organization by Turkey, the U.S. and the EU. The Turkish offensives have been carried out in three phases in the form of three operations (i.e., the Euphrates Shield, the Olive Branch, and the Spring of Peace). In the third phase of Turkey's massive invasion of northern Syria which was referred to as Spring of Peace in September 2019, Turkey's ruling party leaders sought to implement a plan to establish a 32-km-wide and 480-km-long safe zone on Syrian soil along the Turkish border. Turkey's offensives and military presence in northern Syria, especially after the start of the Spring of Peace, created new ambiguities and complications in the Syrian crisis situation. The multiplicity of actors, who are pursuing their habitually discordant goals in Syria, made it very difficult to provide an accurate analysis of the situation in the aftermath of Turkey's multiple military operations in northern Syria. This complexity is better recognized when the extra-regional, regional, and domestic actors involved in Syria are classified on the basis of their worldviews and foreign policy objectives. At the international level of analysis, Turkey's military operations in northern Syria provoked a rivalry between the great powers (the United States, China, and Russia) along the lines of the theory of hegemonic transformation. At the regional level of analysis, Turkey's direct military involvement and deployment of troops to Syrian territory disrupted the balance of threat created by the leaders of countries in the region that have historically regulated their relations on the idea of comprehensive balance which has in turn been influenced by the actors' threat perception of offensive power and aggressive intentions of their

* Corresponding Author Email: ganjkhanelou.m@ut.ac.ir

rivals. At the domestic level, the calculations of *takfiri* terrorist groups such as the Islamic State of Iraq and Syria (ISIS, or *Daesh*), Al-Nusra Front, as well as Kurdish separatist terrorist groups such as PKK and Democratic Union Party (PYD) changed in proportion to their power position and the actions of the more influential actors at the higher levels.

The main purpose of the present study is to answer the following research question: What are the convergences and divergences between the multitude of actors influenced by the Turkish cross-border offensive mission and military presence in northern Syria? In the research hypothesis, it is argued that Turkey's military presence in northern Syria has created threats and opportunities for Iran, which must determine its policies based on its national interests by understanding the convergences and divergences of the interests of other key actors at various extra-regional, regional, national and subnational levels. A score of actors are involved in this conflict as either the supporters of the Assad regime or the backers of the Syrian opposition by providing considerable assistance in the form of arms, training, financing, political support, and even military personnel in order to achieve their contradictory goals. The author used the method of structural analysis of the actors involved in the Turkish intervention in northern Syria, and the "Matrix of Alliances and Conflicts: Tactics, Objectives, and Recommendations" (MACTOR) software in order to identify and analyze the strategies of the major actors. Data collection techniques in this study included: First, qualitative secondary data were obtained from government reports, newspapers, and previous scholarly articles assessing different aspects of the situation. Second, An expert interview was conducted to explore diverse perspectives of fifteen professionals with considerable knowledge of strategic issues in West Asia. To form the panel of experts on interaction matrices in this study, a purposive sampling technique is used to select the experts with extensive experience and/or academic research on the Syrian crisis. Based on the study's findings, the actors involved in the Turkish offensive into northern Syria were classified into six groups based on the degree of influence and vulnerability: 1. *Determinant actors* with powerful influence and low vulnerability consists of the United States, Russia, the Islamic Republic of Iran, PKK, and the Lebanese Hezbollah; 2. *Crucial actors* with powerful influence and high vulnerability include Turkey, the European Union, Israel, the PYD, Saudi Arabia, and the UAE; 3. *Aim actors* with lesser influence than that of crucial actors, and with high vulnerability include Syria, Iraq, and Syrian Democratic Forces (QSD).; 4. *Regulatory actors* with less influence and vulnerability than crucial actors include the People's Democratic Party of Turkey (HDP), Turkish-backed Takfiris, the Iraqi regional government, and Turkish nationalists; 5. *Result actors* with very low influence and very high vulnerability include refugees from Syria, the Arab tribes in the conflict zone, and the Syrian Alawites; and 6. *Autonomic actors* with the lowest degree of influence and vulnerability; and thus were not considered in this study because of their insignificant impact and relevance. The crucial, aim, and regulatory actors have a top position in Iran's assessment of this foreign policy issue since they can have

positive or negative impacts on Iran's efforts to uphold its regional power status.

The findings of the study show that three polarizations of the actors can be distinguished in the crisis situation created by Turkey's offensives and military presence in northern Syria: 1. The actors in the first pole includes Iran, Hezbollah, Iraq, Russia, the Syrian government, and the Syrian Alawites. 2. The second pole of actors consists of Turkey, Al-Nusra Front, ISIS, Turkish-backed Takfiris, Turkish nationalists, the Free Syrian Army, Syrian war refugees, the Syrian Kurdish Patriotic Council, and Arab tribes in the conflict zone. 3. The third pole of actors includes the United States, Israel, the European Union, Saudi Arabia, the United Arab Emirates, QSD, Kurdistan Regional Government of Iraq, the HDP, the PKK and its Syrian branch. The wide-ranging characteristics of the actors in the third cluster indicate the fragmentation in this category. The gap between PKK-PYD and the other actors indicates the tactical convergence as well as the extent of variation in multiple (and often conflicting) goals pursued by the actors in this category.

Analysis of the divergence of actors also showed that Turkey, the Islamic Republic of Iran, and the PKK terrorist group have the greatest divergence of goals regarding Turkey's military operations in northern Syria. Turkey and Iran are in a state of loneliness, but Russia is closer to Iran and the Resistance Coalition due to its views on security threats posed by the U.S. To overcome its loneliness, the Turkish government has the option of moving closer to the U.S. and its partners, but this move might lead to the empowerment of pro-Kurdistan Kurdish movements. Its other option is to get closer to the Resistance Coalition, but it must inevitably redefine its foreign policy objectives and behaviors according to the discourse of this Coalition.

Keywords: Turkey, Northern Syria, Convergence of Actors, Divergence of Actors, Kurds

Declaration of conflicting interests

The authors declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship, and/or publication of this article.

Funding

The author disclosed receipt of the following financial support for the research, authorship, and/or publication of this article: He received financial support for the research of this article from *Mo'asseseh-ye motāleāt-e rāhbordi* (the Institute for Strategic Studies) as part of a larger research project grant.

ORCID iDs: <https://orcid.org/0000-0002-5516-1771>

References

- Ahmadi, Hamid. (1998) *Rishe'hā-ye bohrān dar khāvare'miāneh (The Roots of the Crisis in the Middle East)*. Tehran: Kayhan. [in Persian]
- Bendahan, Samuel; Giovanni Camponovo; and Yves Pigneur. (2004) "Multi-Issue Actor Analysis: Tools and Models for Assessing Technology Environments," *Journal of Decision Systems* 13, 2: 223-253, <DOI: 10.3166/jds.13.223-253>.
- Biden, Joseph R.; and Leslie H. Gelb. (2006, May 1) "Unity through Autonomy in Iraq," *New York Times*. Available at: <https://www.nytimes.com/2006/05/01/opinion/01biden.html> (Accessed 2 May 2020).
- Cengiz, Sinem. (2020, June) "Assessing the Astana Peace Process for Syria: Actors, Approaches, and Differences." *Contemporary Review of the Middle East* 7, 2: 200-214, <DOI: 10.1177/2347798920901876>.
- Destmali, Mohammad Ali. (2016) "Yāddāsh-t-e rāhbordi: Torkieh va chālesh-e kordi (Strategic Note: Turkey and the Kurdish Challenge)," *Faslnāmeḥ-ye motāleāt-e rāhbordi (Journal of Strategic Studies)* 71: 176-171. Available at: http://quarterly.risstudies.org/article_33418.html (Accessed 4 October 1400). [in Persian]
- Fakhri, Hassan. (2017, March 30) "Amaliāt-e separ-e forāt-e torkieh dar shomāl-e sorieh (Turkish Euphrates Shield Operation in Northern Syria Ended)," *Khabargozāri-ye jomhori-ye eslāmi-ye Īrān (News Agency of the Islamic Republic of Iran)*. Available at: <http://www.irna.ir/news/82477492> (Accessed 2 October 1400). [in Persian]
- Gholami, Banafsheh. (2019, September 2) "Ātash-e āmrikā bar jān-e ātash'bas dar shomāl-e sorieh (American Fire on the Ceasefire in Northern Syria)," *Iran Online*. Available at: <http://www.ion.ir/news/498132> (Accessed 4 October 1400). [in Persian]
- Gilpin, Robert. (1981) *War and Change in World Politics*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Haqqanah, Jafar. (2010, Summer) "Movāzeneh-ye farāgir: olgo-ye tahlil-e naghsh-e ghomiyat bar siyāsāt-e khāreji bā takid bar khāvare'miāneh (Inclusive Balance: A Model for Analyzing the Role of Ethnicity in Foreign Policy with an Emphasis on the Middle East)," *Faslnāmeḥ-ye siyāsāt (Journal of Politics)* 40, 14: 94-77. Available at: https://jppq.ut.ac.ir/article_21171.html (Accessed 3 October 1400). [in Persian]
- Jalali, Reza. (2009) "Chisti va masādigh-e nazarieh-e sobāt-e hezhemonik (Causes and Examples of Hegemonic Stability Theory)," *Danesh'nameh (Journal of Knowledge Letter)* 73: 53-77. Available at: https://daneshnameh.srbiau.ac.ir/article_4076.html (Accessed 3 October 1400). [in Persian]
- Kasapoğlu, Can; Sinan Ülgen; and Edam Chairman. (2018) "Operation Olive Branch: A Political–Military Assessment," *edam.org.tr (Centre for Economics and Foreign Policy Studies)* 30. Available at:

- <https://edam.org.tr/wp-content/uploads/2018/01/Operation-Olive-Branch-02-1.pdf> (Accessed 2 May 2020).
- Momeni, Majid Reza; Atieh Khademi; and Hamed Ghorjili. (2012, Fall) "Barresi-ye mavāze va eghdāmāt-e torkieh dar bohrān-e sorieh bar asās-e rahyāft-e tasmim'giri (Study of Turkey's Views and Actions in the Syrian Crisis based on the Decision-making Approach," *Pajohesh'ha-ye siyāsī (Political Research)* 5: 32-54. Available at: https://prj.ui.ac.ir/issue_3771_4059.html (Accessed 3 October 1400). [in Persian]
- Nazarko, Joanicjusz, et al. (2017) "Structural Analysis as an Instrument for Identification of Critical Drivers of Technology Development," *Procedia Engineering* 182, 474-481, <DOI: 10.1016/j.proeng. 2017. 03. 137>.
- Niakoei, Sayed Amir; and Ali Asghar Sotoudeh. (2016, Fall) "Olgo-ye taghābol-e bāzigarān- mantagheh'ī va farā' mantagheh'ī dar monāz' eāt-e dākheli-ye sorieh va Irāq (Pattern of Confrontation between Regional and Trans-regional Actors in the Domestic Conflicts in Syria and Iraq, 2015-2011)," *Faslnāmeḥ-ye rāhbord (Journal of Strategy)* 80: 117-151. Available at: http://rahbord.csr.ir/article_124600.html (Accessed 2 October 1400). [in Persian]
- Pettersson, Emelie. (2020) "An Analysis of Foreign Involvement within the Syria Conflict.: Why had the United States and Russia a Foreign Interest in Syria," *diva-portal.org*. Available at: <https://www.diva-portal.org/smash/record.jsf? pid=diva2:1385300> (Accessed 2 October 2021).
- Saei, Ahmad; and Farzad Piltan. (Fall, 2011) "Nazari-eh-e sobāt-e hezhemonik, eghtasād-e jahāni va tejārat-e chand'janebeh (Theory of Hegemonic Stability, Global Economy and Multilateral Trade)," *Faslnāmeḥ- 'ye oloom-e siyāsī (Journal of Political Science)* 16: 106-91. Available at: <http://kia.ac.ir/~psq/archive/16/4.pdf> (Accessed 4 October 1400). [in Persian]
- Silo, Talal. (2017, December 20) "Ex-SDF Man Tells of US Support for PKK/PYD," *Anadolu Agency* 3. Available at: dspace/handle/123456789/49218 (Accessed 2 October 2021).
- Trump, Donald J. (2017) *National Security Strategy of the United States of America*. Washington, DC: Executive Office of the President. Available at: <https://apps.dtic.mil/sti/citations/AD1043812> (Accessed 12 April 2020).
- Yeşiltaş, Murat, et al. (2017) "Operation Euphrates Shield Implementation and Lessons Learned," *bit.ly (SETA Foundation for Political, Economic and Social Research)*. Available at: <https://bit.ly/396gotl> (Accessed 2 May 2020).
- Yeşiltaş, Murat. (2018). "Turkey's Strategic Reasoning behind Operation Olive Branch," *setav.org*. Available at: https://setav.org/en/assets/uploads/2018/01/34_Perspective.pdf (Accessed 2 May 2020).
- Zarchini, Mohammad. (2017, March 1) "Hadaf-e nahāi-ye amaliāt-e 'separ-e forāt-e Artesh-e torkieh chist? (What is the Ultimate Goal of Turkish Army's Operation Euphrates Shield?)" *Khabargozāri-ye bāshgāh-e khābarnegārān-e Javān (News Agency of Young Reporters' Club)*.

Available at: <https://www.yjc.ir/00PAhW> (Accessed 3 October 1400).
[in Persian]



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC-BY) license.